

اسرائیل به قطر حمله کرد

در بعدازظهر ۹ سپتامبر ۲۰۲۵، مجموعه‌ای از انفجارها دوحه، پایتخت قطر را لرزاند و ستون‌های دود سیاه بر فراز منطقه لقطیفیه-کتارا به هوا برخاست. شاهدان عینی، عکس‌ها و گزارش‌های رویترز از محل، وقوع چندین انفجار در دوحه در تاریخ ۹ سپتامبر را تأیید کردند، با ستون‌های دود که در نزدیکی پمپ بنزین لقطیفیه، مجاور یک مجتمع مسکونی که توسط گارد امیری قطر محافظت می‌شود، به هوا برخاستند. خودروهای امدادی به سرعت به منطقه اعزام شدند. برخلاف بسیاری از عملیات‌های گذشته که اسرائیل از اظهارنظر خودداری می‌کرد، ارتش اسرائیل (IDF) و شین‌بت در عرض چند ساعت بیانیه‌هایی صادر کردند و ادعا کردند که یک “حمله دقیق مشترک” علیه رهبری حماس در دوحه انجام داده‌اند. مقامات اسرائیلی این حمله را بخشی از کارزار گسترده‌تر علیه حماس پس از جنگ اکتبر ۲۰۲۳ توصیف کردند.

نقض قوانین بین‌المللی

حمله ۹ سپتامبر ۲۰۲۵ به دوحه صرفاً یک اقدام نظامی نبود؛ بلکه یک حمله مستقیم به نظم حقوقی بین‌المللی و معماری شکننده‌ای بود که به دولت‌ها و ملت‌ها امکان مذاکره برای صلح را می‌دهد. این فصل ابعاد حقوقی حمله را بر اساس منشور سازمان ملل متحد و حقوق عرفی بین‌المللی بررسی می‌کند و سپس پیامدهای نمادین و عملی آن را برای تلاش‌های میانجی‌گری آینده، مذاکرات آتش‌بس و امنیت کشورهای میزبانی که فضای دیپلماتیک فراهم می‌کنند، در نظر می‌گیرد.

ماده ۲(۴) منشور سازمان ملل استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت را ممنوع می‌کند. حمله اسرائیل به دوحه، که بدون رضایت قطر انجام شد، به‌طور کامل در این ممنوعیت قرار می‌گیرد. قطر یک دولت عضو سازمان ملل متحد با حاکمیت است؛ هیچ ابهامی وجود ندارد که قلمروش به‌طور قانونی نمی‌تواند مورد حمله قرار گیرد مگر با وجود استثنای معتبر.

تنها استثنای شناخته‌شده دفاع از خود بر اساس ماده ۵۱ است که زمانی فعال می‌شود که یک دولت با “حمله مسلحانه” مواجه شود. اسرائیل به دفاع از خود علیه حماس در غزه و لبنان استناد کرده است؛ اما اعمال این استدلال به اعضای حماس که تحت حفاظت قطر در دوحه اقامت دارند در بهترین حالت ضعیف است.

- قطر هیچ حمله‌ای علیه اسرائیل انجام نداده بود.
- مذاکره‌کنندگان حماس در دوحه در گفت‌وگوهای دیپلماتیک مشغول بودند، نه درگیری فعال.
- دکترین “ناتوان یا غیرمایل” که گاهی برای توجیه حملات ضدتروریستی فرامرزی ذکر می‌شود، بسیار مورد مناقشه است و هرگز به‌عنوان قانونی پذیرفته نشده وقتی علیه یک دولت همکاری‌کننده که فعالانه در دیپلماسی مشغول است، اعمال شود.

به‌طور خلاصه، اقدام اسرائیل در قطر به‌طور معقول نمی‌تواند به‌عنوان دفاع از خود توجیه شود. این یک استفاده از زور در نقض منشور است که به یک عمل تجاوز بر اساس قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل منجر می‌شود.

از حقوق روم تا کنوانسیون‌های وین، **مصونیت فرستادگان** یک قاعده اساسی دیپلماسی بوده است. به مذاکره‌کنندگان—حتی دشمنان—تضمین عبور امن و حفاظت داده می‌شود. دیوان بین‌المللی دادگستری بارها این اصل را تأکید کرده است، به‌ویژه در پرونده **گروگان‌های تهران**، جایی که مصونیت فرستادگان را سنگ بنای نظم بین‌المللی توصیف کرد.

گرچه حماس یک دولت به رسمیت شناخته شده نیست، مذاکره‌کنندگان آن به‌طور رسمی توسط قطر دعوت شده بودند تا مذاکرات آتش‌بس را انجام دهند. قطر با میزبانی از آن‌ها **تضمین‌های عبور امن** را ارائه داد و جامعه بین‌المللی آن‌ها را به‌عنوان **فرستادگان صلح کاربردی**—مشابه مذاکره‌کنندگان طالبان در دوحه یا فرستادگان فارک در هاوانا—در نظر گرفت. بنابراین، هدف قرار دادن آن‌ها نه تنها حاکمیت قطر را نقض کرد، بلکه **پرده حفاظتی مصونیت مذاکره** را نیز درهم شکست. این حمله یک **توهین فاحش** به خود قطر است:

- حمله‌ای به پایتخت آن که جان غیرنظامیان را به خطر انداخت.
- بدون رضایت آن انجام شد و حق تمامیت ارضی آن را تضعیف کرد.
- مستقیماً نقش آن را به‌عنوان یک **میانجی بی‌طرف**، نقشی که در عمل بین‌المللی به‌عنوان سهمی در صلح تثبیت شده است، خراب کرد.

بر اساس حقوق بین‌الملل، قطر حق دارد این حمله را به‌عنوان یک **حمله مسلحانه** توصیف کند، که به آن امکان می‌دهد به ماده ۵۱ دفاع از خود استناد کند و در شورای امنیت سازمان ملل و دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست جبران کند.

اثر بازدارنده بر دیپلماسی

پیام نمادین این حمله ویرانگر است: هر کشوری که میزبان مذاکرات صلح باشد ممکن است به میدان نبرد تبدیل شود. اگر مذاکره‌کنندگان بتوانند در اتاق‌های هتل یا اقامتگاه‌های دیپلماتیک خود هدف قرار گیرند، آنگاه:

- دولت‌های میزبان در ارائه قلمروشان برای میانجی‌گری تردید خواهند کرد.
- مذاکره‌کنندگان ممکن است از سفر خودداری کنند، از ترس ترور.
- میانجی‌های دیپلماتیک (مانند سازمان ملل، قطر، مصر یا نروژ) ممکن است اعتبار خود را به‌عنوان ضامن امنیت از دست بدهند.

حمله دوحه خط میان میدان نبرد و پایتخت غیرنظامی را محو کرد. یک **مجتمع مسکونی**، یک پمپ بنزین و محله‌های غیرنظامی اطراف به دلیل عملیات نظامی خارجی در معرض خطر قرار گرفتند. این امر اصل تمایز، یکی از ارکان حقوق بشردوستانه بین‌المللی را تضعیف می‌کند و به کشورهای میزبان دیگر هشدار می‌دهد که **زیرساخت‌های غیرنظامی آن‌ها ممکن است به‌عنوان خسارت جانبی در معرض خطر قرار گیرند** فقط به‌خاطر مشارکت در صلح‌سازی.

میانجی‌ها با **اعتماد و بی‌طرفی** رشد می‌کنند. با حمله به دوحه، اسرائیل به‌طور ضمنی قطر—میانجی دیرینه بین اسرائیل و حماس—را به‌عنوان مکانی ناامن معرفی کرد. اثر این اقدام، مشروعیت‌زدایی از میانجی‌گری قطر و دلسرد کردن کشورهای ثالث از ارائه خدمات مشابه است. اثر بازدارنده فوری است: طرف‌های درگیری ممکن است محاسبه کنند که **میزبانی مذاکرات صلح اکنون هدفی را بر پایتخت شما قرار می‌دهد**.

این نقض فراتر از قطر است. این به جهان نشان می‌دهد که:

- مذاکرات صلح هدف مشروعی هستند.
- حفاظت‌های دیپلماتیک قابل چشم‌پوشی هستند.
- دولت‌های بی‌طرف نمی‌توانند امنیت را تضمین کنند.

چنین سابقه‌ای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات را که در ماده ۳۳ منشور سازمان ملل متحد الزامی شده، فرسایش می‌دهد و زیرساخت شکننده حل و فصل درگیری‌های بین‌المللی را تضعیف می‌کند.

اسرائیل به‌عنوان یک دولت تروریستی یاغی

با حمله به پایتخت یک عضو حاکمیتی سازمان ملل بدون توجیه، اسرائیل نشان داده است که آماده است اساسی‌ترین قواعد نظم بین‌المللی را نقض کند. این رفتار منزوی نیست: این بخشی از یک الگوی گسترده‌تر از ترورهای فرامرزی، قتل‌های هدفمند و بی‌اعتنایی به حاکمیت دولت میزبان است.

یک دولت یاغی نه تنها با ایدئولوژی بلکه با نافرمانی مداوم از هنجارهای بین‌المللی تعریف می‌شود:

- استفاده از زور بدون توجیه قانونی.
- بی‌اعتنایی به قطعنامه‌های شورای امنیت.
- عملیات توسعه‌طلبانه یا فرامرزی فراتر از محدودیت‌های قانونی. در همه موارد، حمله اسرائیل به دوحه با این توصیف مطابقت دارد.

هدف قرار دادن مذاکره‌کنندگان صلح در یک منطقه مسکونی ویژگی‌های تروریسم را دارد:

- استفاده از خشونت برای اهداف سیاسی.
- به خطر انداختن غیرنظامیان.
- پیام اربعاب نه تنها به حماس بلکه به قطر و جامعه بین‌المللی گسترده‌تر. در این معنا، اسرائیل نه به‌عنوان یک دولت مسئول بلکه به‌عنوان یک موجودیت تروریستی که از قدرت دولتی استفاده می‌کند عمل کرد.

پاسخ قطر

وظیفه اصلی یک دولت اطمینان از امنیت شهروندانش و تمامیت قلمروش است. حمله اسرائیل هر دو را به خطر انداخت.

وزارت امور خارجه قطر این حادثه را به‌عنوان یک “حمله جنایتکارانه بزدلانه” محکوم کرد و تأکید کرد که این حمله ساختمان‌های مسکونی میزبان مذاکره‌کنندگان حماس را هدف قرار داده است. دوحه این را به‌عنوان یک نقض جدی حقوق بین‌الملل و تجاوز به حاکمیت قطر محکوم کرد. دولت اعلام کرد که تحقیقاتی فوری “در بالاترین سطوح” انجام خواهد داد.

اهرم منحصربه‌فرد قطر به‌عنوان متحد آمریکا

قطر میزبان پایگاه هوایی العدید، بزرگ‌ترین تأسیسات نظامی آمریکا در خاورمیانه است و به‌عنوان یک متحد غیرناتوی عمده تعیین شده است. واشنگتن به قطر برای نمایش قدرت، لجستیک و میانجی‌گری در منطقه وابسته است.

ایالات متحده به‌طور تاریخی از قدرت و توی خود برای جلوگیری از قطعنامه‌های شورای امنیت که اسرائیل را مورد انتقاد قرار می‌دهند استفاده کرده است. این سپر دیپلماتیک به اسرائیل اجازه داده است که با مصونیت نسبی عمل کند. با این حال، قطر اکنون اعتبار لازم را دارد تا استدلال کند که حمایت مداوم ایالات متحده از اسرائیل حاکمیت و امنیت قطر را تضعیف می‌کند.

- **اخراج سفارت آمریکا:** یک اقدام دیپلماتیک رادیکال اما قانونی در صورتی که ایالات متحده به حمایت از اسرائیل ادامه دهد.
- **بازنگری در پایگاه آمریکا:** تعلیق یا خاتمه توافق‌نامه‌های دولت میزبان در صورتی که پایگاه به‌عنوان ناتوان در حفاظت از قطر یا به‌طور ضمنی امکان‌پذیرکننده عملیات اسرائیل تلقی شود.
- **دفاع از خود ماده ۵۱:** قطر از نظر قانونی حق دارد این حمله را به‌عنوان یک **حمله مسلحانه** تلقی کند و به‌طور متناسب پاسخ دهد—چه از طریق اقدامات نظامی، عملیات سایبری یا اقدامات دیپلماتیک/اقتصادی متقابل.

نتیجه‌گیری

حمله اسرائیل به دوحه یک اقدام تروریسم دولتی و رفتار یاغیانه بود که منشور سازمان ملل و اساسی‌ترین اصول حاکمیت را نقض کرد. قطر، که به‌طور منحصربه‌فرد به‌عنوان متحد ایالات متحده و میزبان نیروهای حیاتی آمریکایی قرار دارد، اکنون با یک تصمیم عمیق روبرو است: یا ادامه حمایت ایالات متحده از اسرائیل در شورای امنیت را بپذیرد یا با مطالبه تغییر، حاکمیت خود را تثبیت کند. اگر واشنگتن امتناع کند، قطر هم حق قانونی و هم وظیفه اخلاقی نسبت به شهروندانش دارد تا اقدامات شدیدی را اتخاذ کند—از اخراج دارایی‌های دیپلماتیک و نظامی آمریکا تا استناد به دفاع از خود ماده ۵۱. این انتخاب نه تنها سیاست خارجی قطر بلکه اعتبار خود حقوق بین‌الملل را تعریف خواهد کرد.